

تحلیل پدیدارشناختی تأثیر آیین‌های فرهنگی مشترک بر توسعه اجتماعی (مطالعه موردی شهر دزفول)

* داریوش رضاپور
** علیرضا کلدی

E-mail: d.rezapour@gmail.com

E-mail: Arkaldi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه تأثیر آیین‌های فرهنگی مشترک بر توسعه اجتماعی شهر دزفول صورت گرفته است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش را ۱۵ نفر از افراد ساکن شهر دزفول تشکیل می‌دهند که در آیین‌های عاشورا، احترام به درخت سدر و سفره نذری شاه پریان شرکت می‌کنند. محققان در این پژوهش کیفی، از رویکرد پدیدارشناسی و تکنیک مصاحبه عمیق برای جمع‌آوری اطلاعات بهره‌جسته‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با روش کلایزی انجام شده است. یافته‌های پژوهش، که حاصل استخراج از مصاحبه‌ها است، شامل مقوله‌های «هویت‌یابی»، «امنیت فردی و اجتماعی»، «تعامل اجتماعی» و «انسجام اجتماعی»، و نیز مقوله «آیین‌های فرهنگی مشترک تسهیل‌کننده توسعه اجتماعی» است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آیین‌ها فرصتی را فراهم می‌آورند، تا گروه‌های مختلف شهر دزفول با شرکت در آنها، وفاق و همبستگی را افزایش داده و با تشکیل یک جامعه واحد، روند توسعه اجتماعی را تسریع بخشند.

کلید واژه‌ها: آیین‌های فرهنگی، مشارکت‌کنندگان، پدیدارشناسی، توسعه اجتماعی، شهر دزفول.

* مربی و عضو هیئت علمی گروه اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول

** استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه و طرح مسأله

آیین اساساً «نمایش یک فعل» است و به عنوان عمل نمایشی، این واقعیت را آشکار می‌سازد که شرکت‌کنندگان در آیین، درگیر فعالیتی هستند که از طریق آن، خویشتن خود را شکل می‌دهند. در طول اجرای مناسک، فعل و فاعل یکی می‌شوند و اجراکنندگان و آیین‌گذاران از طریق اعمال آیینی، متحول می‌شوند و این چرخه بی‌وقفه ادامه می‌یابد (هوور و بای، ۱۳۸۵: ۲۴۳). اصلی‌ترین زمینه شکل‌گیری آیین، رفتارهای مذهبی‌اند، اما وسعت و گستره رفتار آیینی بسیار فراتر از این حوزه خاص است و بیشتر گروه‌ها به نوع و شکلی اعمال آیینی دارند (میرعابدینی، ۱۳۸۸: ۲۸). توسعه اجتماعی نیز به عنوان یکی از ابعاد توسعه، بیانگر سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به مشارکت افراد در متن توسعه، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، و افزایش کیفیت زندگی است. از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی، انسجام اجتماعی است که به نیروهای اجتماعی، که منجر به وحدت و یکپارچگی انسان‌ها می‌شود، مربوط می‌شود (دهشیری، ۱۳۹۳: ۳۲).

با توجه به این که انسجام اجتماعی یکی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی است و از آن جایی که برگزاری آیین‌های مشترک عاملی در جهت انسجام و یکپارچگی فرهنگی است، لذا برگزاری آیین‌های مشترک می‌تواند موجب توسعه اجتماعی در جوامع مختلف شود. جوامع مختلف متناسب با فرهنگ خود، هر ساله شاهد برگزاری آیین‌هایی هستند که نقش مهمی در شکل‌گیری باورها و کنش جمعی افراد و کاهش تنش‌ها و آسیب‌های اجتماعی دارند؛ زیرا آیین‌ها به عنوان بخشی از فرهنگ یک جامعه برای دست یافتن به اهدافی مشخص به صورت کلامی، یا با حرکت‌ها و موقعیت‌های کالبدی بسیار نمادین و با تکیه بر اعتقاد به قدرت عمل موجودات یا نیروهای قدسی انجام می‌گیرند (ریویر، ۱۹۹۵: ۱۷۰). برخی از جامعه‌شناسان معتقدند برای فهم فرهنگ و پیوند اعضای جامعه به یکدیگر، مطالعه آیین‌های دینی اهمیت ویژه‌ای دارد. برای مثال دورکیم معتقد است جامعه برای پیوند اجزای خود از شیوه‌هایی استفاده می‌کند که آیین از مهم‌ترین آنهاست. آیین ابزاری است که جمع به وسیله آن عقاید جمعی خود را خلق و آنها را تجربه می‌کند (رودنبولر، ۱۳۸۷: ۱۵). علاوه بر این گیرتر معتقد بود که آیین‌های مذهبی، به واسطه نقش و موقعیتی که افراد در برگزاری آنها دارند، موقعیت اجتماعی و جایگاه آن افراد را در ساختار اجتماعی بازتولید می‌کند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

در جامعه ما آیین‌های فرهنگی که از باورهای ایرانی کهن و فرهنگ اسلامی و اندیشه‌های جهانی شکل گرفته است از قدمت و پویایی خاصی برخوردارند و بر بخش وسیعی از رفتار ما تأثیر می‌گذارند. برای مثال حضور مردم در آیین‌های مذهبی - شیعی و انواع مناسبت‌های مرتبط با آن بود که توانست در سال‌های ۵۶ و ۵۷ انقلاب را به پیش برد. رهبران و مسوولان نیز با بهره‌گیری از آیین‌ها و شعائر اسلامی، به‌ویژه در نماز جمعه‌ها، مسائل جامعه را مطرح ساختند و در سراسر کشور پخش کردند. بخش عظیمی از این تأثیرگذاری را باید در ساختار آیین، آیین‌های مرزی و مباحث مربوط به این وضعیت آستانه‌ای و ریشه‌های آن در فرهنگ و جامعه ایران جست‌وجو کرد. از این‌رو، نقش دگرگون ساز، و در عین حال نگه دارنده ارتباطی آیین، به ویژه با تکیه بر مصداق و زمینه کاربرد آن در حوزه انقلاب اسلامی جای تأکید دارد (میرعابدینی، ۱۳۸۸: ۵۴).

شهر دزفول در شمال خوزستان، با تراکم جمعیتی بالا و وجود میراث فرهنگی کهن و قرارگرفتن در کنار رودخانه دز، طی سده‌های گذشته مرکز تجمع و یکی از محورهای هم زیستی گروه‌های مختلف بوده است. در حال حاضر وجود گروه‌های همانند دزفولی، بختیاری و عرب در سطح شهر دزفول موجب شده تا آنها در آیین‌هایی که در فصول مختلف سال برگزار می‌شود، شرکت کنند. در این میان آیین‌هایی همانند عاشورا، احترام به درخت سدر و سفره نذری شاه پریان، در بین دزفولی‌ها، بختیاری‌ها و عرب‌ها مشترک بوده که با حضور همزمان مشارکت‌کنندگان در این آیین‌ها، احساسات مشترکی در بین آنها ایجاد می‌شود. آیین‌هایی که پیوسته با نمادهایی همراه هستند و برای مشارکت‌کنندگان گروه‌ها حامل بار معنایی خاصی است که به واسطه شرکت مردم در آیین‌ها و مناسک، برای آنها قابل فهم و درک می‌شود.

حال با توجه به هدف پژوهش، که مطالعه تأثیر آیین‌های فرهنگی مشترک بر همنوایی بیشتر گروه‌ها در سطح شهر دزفول است و از آنجایی که تنوع فرهنگی می‌تواند، هم منشاء ستیزه‌های فرهنگی و هم به‌عنوان فرصتی برای هم اندیشی و تنوع فرهنگی در جامعه باشد، آیا مطالعه تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان در آیین‌های مشترک، در شهر دزفول، می‌تواند ما را به سوی جامعه‌ای هم‌نوا تر رهنمون سازد؟ چگونه آیین‌های مشترک در میان جوامع با فرهنگ‌های متفاوت، همانند دزفول، تأثیرگذار هستند و روند توسعه اجتماعی را هموار می‌سازند؟ در این پژوهش برآنیم تا براساس تجزیه زیسته مشارکت‌کنندگان به سؤالات فوق پاسخ دهیم.

سؤال‌های تحقیق

پژوهش حاضر درصدد بررسی تجارب و ذهنیت شرکت‌کنندگان در آیین‌ها و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی شهر دزفول است. لذا تلاش می‌شود به تصویر ذهنی ساخته شده از آیین‌ها دست یافت تا به وسیله واکاوی این تجارب و در نظر گرفتن بافت جمعی محیط، بتوان به راهبردهای اتخاذ شده توسط مشارکت‌کنندگان و در نهایت پیامدهای حاصله رهنمون شد. دستیابی به موارد فوق از طریق پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل ممکن است:

- ۱- تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان از شرکت در آیین‌ها چیست؟
- ۲- چه عواملی موجب شکل‌گیری معانی ذهنی برداشت شده از آیین‌های مشترک در ذهن مشارکت‌کنندگان می‌شود؟
- ۳- آیین‌های مورد مطالعه، چه تأثیری در زندگی فردی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان دارند؟

چهارچوب مفهومی تحقیق

در این پژوهش، سعی شده با رویکردی پدیدارشناختی، به بازسازی معنایی مشارکت‌کنندگان در آیین‌های مشترک پرداخته و نشان داده شود که آنها چه درکی از این پدیده دارند؛ زیرا تفسیر و درک مردم از دنیای پیرامون خود، در بستر زندگی روزمره شکل و معنا پیدا می‌کند. در این مختصر دیدگاه‌های نظری موجود درباره موضوع پژوهش را ارائه می‌کنیم: - نظریه کنش متقابل نمادین، بر این مسأله متمرکز است که مردم چه معنایی را برای کنش متقابل با دیگران یاد گرفته‌اند؟ و چگونه دیگران به این معانی پاسخ می‌دهند؟ در جریان کنش و واکنش، چگونه پاسخ مناسب نسبت به یکدیگر تولید می‌شود؟ و چگونه مردم دنیای اطرافشان را معنا دار می‌کنند؟ (آزادارمکی، ۱۳۸۸: ۱۸). امیل دورکیم معتقد است که آیین‌های مذهبی مردم را گرد هم آورده و پیوندهای مشترکشان را تأیید می‌کنند و در نتیجه همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند. اجرای مراسم مذهبی، میراث اجتماعی گروه را احیا کرده و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد و موجب نظم اجتماعی می‌شوند (شریعتی، ۱۳۸۳: ۲۰۳). میرچا الیاده، معتقد است که آیین‌ها در هر جامعه، «زمان مقدس» را خلق کرده و مکان‌ها را نیز فضیلت می‌بخشند. هر چه اهمیت آیین بیشتر باشد، اهمیت زمان و مکان برگزاری آن نیز از زمان‌ها و مکان‌های عادی بیشتر

می‌شود (الیاده، ۱۹۶۳: ۱۴۰). کارکرد وحدت بخش نمادها، پدیدارهای ناهمگن را در درون نظامی واحد قرار داده و بر این اساس، نظام‌های منسجم نمادها، چارچوب پدیدارشناختی از مفاهیم دینی به دست می‌دهد (جعفری، ۱۳۸۷: ۶۸). گیتز، با رویکرد تفسیری، به دنبال این بوده که از طریق نمادها، ایده‌ها، آیین‌ها و رسوم دینی تأثیر دین را در زوایای زندگی مردم مورد مطالعه‌اش، جست‌وجو کند (پالس، ۱۳۸۲: ۳۳۶). به اعتقاد او «نمادها، فرایندی ذهنی و انتزاعی نیستند؛ بلکه ساختی از پدیده‌های اجتماعی به‌شمار می‌روند» (گیتز، ۱۹۷۳: ۳۶۲).

روش تحقیق

با توجه به هدف پژوهش، روش کیفی به‌عنوان راهنمای پژوهش انتخاب شده و بر همان اساس از روش پدیدارشناسی توصیفی، که از عمده‌ترین رویکردهای کیفی است، برای انجام تحقیق استفاده شده است. «در فرایند تحقیق پدیدارشناسانه، مسأله پدیدارشناسی اساساً به دنبال چیستی معنای پدیده‌ای خاص یا بررسی ذات و ماهیت پدیده‌ها و تجربیات است و از این‌رو نیازمند شناسایی آن در ذهن افرادی است که با این موارد درگیرند» (ایمان، ۱۳۹۳: ۳۲).

نمونه‌گیری

مشارکت‌کنندگان این پژوهش را گروه‌های دزفولی، بختیاری و عرب ساکن شهر دزفول تشکیل می‌دهند، که هر ساله با همدیگر در آیین‌های عاشورا، احترام به درخت سدر و سفره شاه پریان شرکت می‌کنند. برای انتخاب نمونه مورد نظر از روش نمونه‌گیری هدفمند که سنخیت بیشتری با تحقیقات کیفی دارد، استفاده شده است. در این نوع نمونه‌گیری، حجم نمونه به اشباع نظری سؤالات مورد بررسی بستگی دارد، به این ترتیب که هرگاه محقق به این نتیجه برسد که پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به همدیگر شباهت دارند و منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها شده و داده‌های جدیدی به دست نمی‌دهد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد» (ساندلوفسکی، ۱۹۸۶: ۵۷).

لذا محقق برای جمع‌آوری داده‌ها، با آگاهی از زمان برگزاری آیین‌های مورد نظر، در بین مشارکت‌کنندگان حضور یافته و با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق از شرکت‌کنندگان خواست تجربه زیسته خود را از شرکت در این آیین‌ها بیان کنند. در

نهایت تعداد ۱۵ مصاحبه با مشارکت‌کنندگان انجام شد، که بعد از این تعداد مصاحبه، محقق به اشباع نظری رسید. البته محقق سعی کرده برای به دست آوردن بهتر تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان، نسبت سن، و جنسیت را در بین مشارکت‌کنندگان در نظر گیرد.

روش تحلیل داده‌ها

در این پژوهش داده‌ها طبق رویکرد پدیدارشناسی توصیفی - کلایزی تحلیل شد. مدل پیشنهادی کلایزی (۱۹۷۸) شامل هفت مرحله بود. که گام‌های آن عبارتند از: ۱- در ابتدا تمام توصیف‌های ارائه شده توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش چندین مرتبه خوانده شد تا محتوای کلی آن درک شود. ۲- در این مرحله با مراجعه به تمام توصیف‌های ارائه شده، جملات و عبارات مهم، که مستقیماً به پدیده مورد مطالعه مرتبط بودند، استخراج شدند. ۳- تلاش شد تا به معنای هر یک از جملات مهم پی ببریم. پس از آن معانی بیرون کشیده شده از جملات با هم ترکیب شدند و یک معنی مشترک حاصل شد. ۴- مراحل فوق برای هر جملات مهم تکرار شد و معانی فرموله شده و مرتبط به هم را در خوشه‌هایی از موضوعات اصلی قرار دادیم. ۵- در این مرحله مفاهیم کلیدی اطلاعات که به صورت روایت‌وار (به منظور بیان یافته‌ها در قالب جملات بدون ایهام) نوشته شدند. ۶- با مراجعه مجدد به هر یک از شرکت‌کنندگان، نظر آنها در مورد یافته‌ها پرسیده شد و نسبت به اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها اقدام شد. ۷- به منظور تعیین قابلیت پیگیری، فعالیت‌های روزانه فرایند تحقیق، توسط محققان به صورت گزارش کتبی نوشته شد و تجربه شخصی محققان در برخورد با شرکت‌کنندگان ثبت شد.

یافته‌های تحقیق

در این مرحله مفاهیم و مضامین حاصل از مصاحبه‌ها به ۴ مقوله هویت‌یابی، امنیت فردی و اجتماعی، تعامل اجتماعی و انسجام اجتماعی (جدول شماره ۱) تقلیل یافت. در انتها این ۴ مقوله به یک مقوله هسته تحت عنوان «آیین‌های فرهنگی مشترک به مثابه تسهیل‌کننده توسعه اجتماعی» انتزاع پیدا کرد. در ادامه محتوای مقولات چهارگانه به تفکیک گزاره‌ها و با استناد به روایت‌ها و نقل قول‌های مصاحبه‌شدگان مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱: مفاهیم، مقولات و مقوله هسته

ردیف	مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله هسته
۱	جمعی گرایی، متعهد شدن، آشنایی و یادگیری، اثبات کردن، تعلق داشتن، توکل کردن	هویت یابی	آیین‌های فرهنگی مشترک سهیل کننده توسعه اجتماعی
۲	اطمینان خاطر، تقویت روحیه تعلق مکانی، آسودگی خیال، در امان ماندن، حمایت شدن	امنیت فردی و اجتماعی	
۳	دوستی و برادری، حس یگانگی، پذیرش جمعی، همکاری و تعاون	تعامل اجتماعی	
۴	همدلی، اجماع جمعی، عاطفه و محبت، ارزش‌های مشترک، پیوند بین نسلی، کاهش درگیری محلی	انسجام اجتماعی	

۱- هویت یابی

هویت اجتماعی محصول تعامل میان گروه‌های مختلف است. افراد از طریق آیین‌ها، با هم در کنش متقابل‌اند و هویت و نقطه اتکای ثابتی در بحبوحه ناسازگاری‌ها و عقاید برای خود فراهم می‌آورند و بدین وسیله، با کمک به شناخت خود، احساس هویت یابی را ایجاد می‌کنند. مشارکت‌کنندگان در مواجهه با دشواری‌های زندگی، با نمایش باورداشت‌های خود در قالب شعائر مذهبی، با ایمان قلبی خویش تجدید میثاق کرده و با آن احساس آرامش می‌کنند. چنان‌که حسن ۶۴ ساله در مصاحبه خود می‌گوید: «وقتی ماه محرم نزدیک می‌شه، من و دوستانم که اصالتاً بختیاری‌اند در هیئت محله جمع می‌شویم و تا تدارک لازم را برای برگزاری مراسم انجام دهیم. در این بین هر کسی با هر سن و سالی در این مراسم مشارکت دارد و به نوعی به دنبال ابراز وجود خود است؛ زیرا آدم با این کار دین خود را به «آقا» ادا کرده و احساس آرامش می‌کنه». و یا کبری ۶۰ ساله می‌گوید: «هر ساله در ایام محرم عزاداران حسینی از محله ما رد میشن، من به رسم مهمان‌نوازی و ارادت به آقا به آنها نذری می‌دم. و هیچ فرقی بین آنها نمی‌زارم. برا این‌که برای امام حسین عزاداری می‌کنن آنها را دوست دارم و بهشون احترام می‌زارم. با این عمل نسبت به خودم و دیگر افراد احساس بهتری دارم...».

فرهنگ هر جامعه‌ای، ترکیبی از اعتقادات، باورها، آئین‌ها و به‌طور کلی شیوه‌ها و الگوهای زندگی است که در طول تاریخ توسط پیشینیان ساخته و پرداخته شده و طی

فرایند جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل شده، و موجب تداوم و حفظ الگوهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه است. شرکت در آیین‌ها فرصتی برای والدین فراهم می‌کند تا فرزندان خود را با سنت‌های دینی آشنا کنند. مثلاً محمد ۵۵ ساله و از عرب‌های ساکن دزفول می‌گوید: «من هر سال سفره نذری دارم. همه همسایگان، چه بختیاری و چه دزفولی را خبر می‌کنم تا در این مراسم شرکت کنند. چون هم ثواب دارد و هم به شرکت‌کنندگان یاد می‌دهد که با هم باشند، همانند امام حسین (ع) و یارانش که در برابر ظالم ایستادند».

مشارکت‌کنندگان با شرکت در آیین‌ها برای خود کسب شخصیت و هویت می‌کنند و این فرصت را دارند تا به ابزار وجود خود پردازند. چنان‌که حسن ۵۰ ساله می‌گوید: «... من و خانواده‌ام به امام حسین ازادت خاصی داریم. به همین خاطر به همراه یک گروه از دوستان عرب و بختیاریم در تعزیه‌ای که در ماه محرم برگزار میشه نقش یکی از یاران امام را بازی می‌کنم. چون معتقدم با این کار به مردم ثابت می‌کنم که من هم سهمی در این عزاداری دارم و هم ارادتم را به حسین (ع) نشان می‌دهم».

بنابراین باورهای دینی در ذهن و قلب انسان‌ها تعلق خاطر ایجاد کرده، و رابطه صمیمانه بین افراد به وجود می‌آورد و این خود گامی به سوی کسب هویت دینی است. علی در مصاحبه‌اش می‌گوید: «... پدرم وقتی می‌رفت به هیت عزاداری محله لباس سیاهی بر تن می‌کرد و من را با خودش می‌برد. من هم به همراه خودم در شب‌های تاسوعا و عاشورا پارچه‌های سفید، سبز و سیاه را به علم می‌بستم و در هیت محله عزاداری می‌کردم...».

۲- امنیت فردی و اجتماعی

امنیت اجتماعی در کنار امنیت فردی یکی از نیازهای اساسی جامعه بشری است که از آغاز زندگی اجتماعی پدیده‌ای قابل توجه بوده است. امنیت فردی و اجتماعی در سطح جامعه ناشی از استمرار وجود ارزش‌های فرهنگی است که به حفظ اعتماد درونی، استفاده بهینه از فرصت‌ها و ارتقاء سطح زندگی اجتماعی کمک می‌کند. در جریان شرکت در آیین‌ها و جشن‌ها، امنیت فردی و اجتماعی منجر به درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها می‌شود. ارزش‌ها و هنجارهایی که یادگیری آنها موجب حفظ ثبات جامعه می‌شود. مشارکت‌کنندگان در آیین‌ها معتقدند که شرکت در آیین‌ها برای آنها حس اعتماد درونی نسبت به خود و دیگر گروه‌ها ایجاد می‌کند. در این خصوص محمد ۴۵

ساله که از اهالی پایین شهر است می‌گوید: «برایم فرقی نمی‌کند که شهیددانه (۱) متعلق به کدام گروه و کدام محله است، من هر وقت که خواسته‌ای از خداوند داشته باشم برای این که مطمئن شوم به آن می‌رسم، می‌آیم و به این حجله حضرت قاسم که محله پیر نظر است پارچه سبز رنگی می‌بندم». و یا زهرا ۶۵ ساله در مصاحبه خود می‌گوید: «فکر می‌کنم مراسم سفره‌های نذری مثل شاه پریان در کاهش نگرانی‌هایم خیلی مهم باشن. چون وقتی این جمعیت را می‌بینم که چگونه با هم در ارتباطند و در برگزاری آن و دیگر کارها به هم کمک می‌کنند به یک حس اطمینانی می‌رسم که اگر روزی برایم مشکلی پیش بیاید و یا بخواهم چنین مراسمی را برگزار کنم تمام اهل محل و ایل و طایفه‌ام به من کمک می‌کنن».

شرکت در اجتماعات یا گروه‌های مختلف اجتماعی، برای تحقق و تحکیم امنیت اجتماعی لازم است. از نظر مشارکت‌کنندگان، این اجتماعات برای آنها امنیت می‌آورد، امنیتی که به معنای رهایی از خطرهای جامعه است. آگوست کنت در خصوص امنیت بر این نکته تأکید داشت که جامعه به وجود نمی‌آید، مگر این که اعضایش باورهای واحدی داشته باشند. به این سان جامعه نیز مانند هر پدیده طبیعی، تابع قوانین تغییرناپذیری است. در زندگی اجتماعی همواره مجموعه‌ای اصول و قواعد وجود دارد که باعث می‌شود عقل افراد با توافق یک صدا، از افکاری که منجر به آیین مشترک شود، تبعیت کنند و با این هماهنگی بین ذهن‌ها، نظم اجتماعی استقرار می‌یابد. از دیدگاه او، امنیت فکری وجهی از امنیت اجتماعی است؛ زیرا جامعه برای دستیابی به نظم پایدار، نیازمند تبادل افکار و باورها در شرایط آرام و بدون هراس است (موحد و همت، ۱۳۹۲: ۶۲).

در این خصوص اشرف ۵۵ ساله می‌گوید: «وقتی به همراه دخترم در آیین سوگ شرکت می‌کنم دیگر به فکر امنیت خونه نیستم چون خونه را به همسایه‌ها می‌سپاریم و اگر همسایه‌ها نبودن آن را به امان خدا می‌گذارم و در عزاداری شرکت می‌کنم. چون خیالم راحت‌تر است که امامی که داریم برایش عزاداری می‌کنیم از اموالمان محافظت می‌کنه». و یا خانمی می‌گوید: «پسرم بیماری خطرناکی داشت و هزینه درمانش بسیار زیاد بود و پول زیادی نداشتم که برایش هزینه کنم. به سفارش یکی از آشنایان در یکی از شب‌های محرم وقتی مراسم روضه خوانی تمام شده بود بانی مجلس اعلام کرد که یکی از شرکت‌کنندگان بیماری داره که برای معالجه‌اش نیاز به پول داره هر کسی می‌تونه در حد توانش به او کمک کنه. پس از آن تونستم با آن پول مقداری از داروهای پسرم را بخرم».

«تقویت روحیه تعلق مکانی»، به عنوان مفهومی که با مقوله امنیت فردی و اجتماعی در ارتباط است، موجب حس علاقه نسبت به شهر و محل زندگی در بین مشارکت کنندگان می شود و در حفظ نظم شهری نقش مهمی دارد. از نظر مشارکت کنندگان شرکت در آیین های مشترک حس تعلق به زادگاهشان را تقویت می کند و معتقدند که دور هم بودنشان می تواند در احیاء و ارتقای امنیت شهرشان کمک بسیاری کند. مثلاً حسین ۴۴ ساله می گوید: «اکثر دوستانم که خارج از شهر هستند وقت محرم به زادگاه خودشان میان. برای این که شهرشان را دوست دارند. برای من خاک این شهر گیرا است. هر ساله که به ماه محرم نزدیک می شویم لحظه شماری می کنم که پیام به شهر خودم و در مراسم عزاداری شرکت کنم».

۳- تعامل اجتماعی

انسان ها در اجتماع با یکدیگر کنش متقابل دارند. این کنش متقابل، رفتار اجتماعی نامیده می شود. یکی از مؤلفه های مهم در جهت گیری مثبت رفتاری یک جامعه، در مفهوم «تعامل اجتماعی» نهفته است. این مفهوم، در ارتباط نزدیک با مفاهیمی چون «دوستی و برادری»، «حس یگانگی»، «پذیرش جمعی»، «همکاری و تعاون» است. تعامل اجتماعی، افراد یک جامعه را، در تحقق زندگی بهتر و جامعه ای توسعه یافته کمک می کند. در جامعه ای مانند دزفول، این مقوله از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا شرکت در آیین های مشترک در نزدیک کردن افراد جامعه به یکدیگر بسیار مهم است. مشارکت کنندگان با باورهای دینی مشترک، رفتارهایشان را همسو و منطبق بر یکدیگر انجام می دهند؛ در واقع به باورها هدف می بخشند، و انگیزه و امید ایجاد می کنند. انگیزه ها از نظر مردم، نیروهایی هستند که شوق رسیدن به اهداف را به وجود می آورند. لذا داشتن هدف مشترک و انجام اعمال مشترک، انسان ها را به هم پیوند می دهد و سبب تعامل بیشتر آنها می شود. مثلاً یکی از مشارکت کنندگان می گوید: «وقتی به زیارت امامزاده محمد بن جعفر می روم، زائرانی را می بینم که به پای درختان سدر شمع روشن می کنند. وقتی چنین عملی را از آنها می بینم، احساس می کنم که من هم باید این رسم را انجام بدهم چون به این جامعه تعلق دارم و باید در این آیین مشارکت داشته باشم، تا همانند دیگر اعضای جامعه، احساس تعلقم به گروه بیش تر شود».

یکی دیگر از مشارکت کنندگان می گوید: «بین من با یکی از همسایگان بختیاری به خاطر معامله ای که با هم داشتیم مشکلی پیش آمده بود و با هم صحبت نمی کردم.

روزی او را در مراسم سفره نذری دیده بودم در آنجا به حرمت صاحب سفره و دیگر افرادی که آنجا بودند و به اصرار یکی از بزرگان جمع با او آشتی کردم.»

زمانی افراد جامعه از لحاظ آگاهی و مهارت در روابط اجتماعی به سطحی مطلوب از تعالی می‌رسند که بتوانند به راحتی با هم زندگی کنند و به کارهای گروهی بپردازند. کار گروهی مستلزم آن است که افراد گروه فقط به هدف‌های گروه بیندیشند، و منافع جمعی را به منافع شخصی ترجیح دهند، تا کار گروهی، معنای خود را از دست ندهد.

بدین‌سان اهمیت کار گروهی در شهرهایی که از گروه‌های مختلف تشکیل شده‌اند در این است که مبتنی بر بنیان‌هایی چون اعتماد به سایر اعضای گروه، وظیفه و تعهد نسبت به دیگران و ترجیح اهداف و منافع جمع بر اهداف و منافع فردی است. کار گروهی، آنگاه که به نتیجه مطلوب برسد، حس خوشایندی را نصیب همه می‌کند.

در این رابطه مهدی یکی از مشارکت‌کنندگان ساکن محله قلعه می‌گوید: «... هر ساله در ماه محرم آتش نذری داریم و با همکاری فامیل و اهل محل شروع به پخت آن می‌کنیم. بعد از آماده شدن آتش، آن را در بین مردم محله تقسیم می‌کنیم. من این کار خیر را بدون این‌که بخواهم در مورد قومیت اهل محل فکر کنم و تفاوتی بین آنها بگذارم، انجام می‌دهم و از امام حسین می‌خواهم که به خودم و خانواده‌ام و همه اهل محل کمک کند...».

۴- انسجام اجتماعی

انسجام به مفهوم بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه‌هایی است که افراد در آنها عضویت داشته و یا در آنها مشارکت دارند. گیدنز، انسجام اجتماعی را معطوف به نظام‌مندی در سطح کنش متقابل چهره به چهره تعریف می‌کند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۴). اعمال و مناسکی که افراد به هنگام شرکت در آیین‌ها انجام می‌دهند، سبب پیوستگی افکار و اعتقادات آنها نسبت به یکدیگر، و هم سو کردن آنها می‌شود. در دزفول با فرا رسیدن آیین‌های مذهبی همچون محرم، گروه‌های مختلف با تشکیل هیئت‌های عزاداری آماده برگزاری این آیین می‌شوند. خانمی در مصاحبه خود می‌گوید: «سفره شاه پریان هر ساله در ماه رجب و روزهای شنبه و چهارشنبه که از روزهای خوب هستند برگزار میشه و من هم در آن شرکت می‌کنم. بعد از این‌که نمازها به نیت امام‌زاده‌ها خوانده شد و مراسم تمام شد، زنان شرکت‌کننده شروع به صحبت کردن در مورد مسائل مختلف

زندگی می‌کنن. یادم می‌آد در یکی از این سفره‌ها زنی با شوهرش مشکل داشت و از من خواست که کمکش کنم تا مشککش حل بشه. این حضور فرصت خوبی بود تا من نکاتی را برای حل مشکل اون‌ها بهش بگم».

انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنی پیدا می‌کند. دورکیم، احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید، عاطفه جمعی می‌نامد. از نظر او، عاطفه جمعی عمیق، اکثراً طی مناسک جمعی به وجود می‌آید و بدین نحو موجب تحکیم انسجام اجتماعی می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۸۰). در دزفول برگزاری آیین‌های مذهبی علاوه بر نمایش سنت‌های گذشتگان، نوعی احساس تعاملی در بین مشارکت‌کنندگان است. در این رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «در نوجوانی همیشه به همراه پدرم در عزاداری‌های ماه محرم و هم‌چنین سفره‌های نذری شرکت می‌کردم که در شهر برگزار می‌شد. بعد از تمام شدن مراسم سینه‌زنی و جمع کردن سفره نذری دو رکعت نماز می‌خواندم و از خدای خودم سپاسگذاری می‌کردم که توانستم به لطف او همانند دیگر دوستان و هم‌کلاسی‌هایم در این مراسم شرکت کنم». از مفاهیم دیگری که مشارکت‌کنندگان را ترغیب می‌کند تا به آیین‌ها اهمیت بیشتری بدهند، وجود ارزش‌های مشترک در جامعه است. ارزش‌های مشترک موجب می‌شوند تا اعضای جامعه نسبت به همدیگر به خصوص در جوامعی که از تنوع فرهنگی برخوردار هستند، حس بهتری داشته باشند. برگزاری چنین آیین‌هایی این ارزش‌ها را محکم‌تر و بی‌توجهی باعث سست‌تر شدن آنها می‌شود. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «زنی را با پوشش عربی دیدم که به درخت کنار پیر اکبر حنا مالیده بود، بعدش دیدم برخی دیگر از مردم دارند پای این درخت شمع روشن می‌کنند هر کدام برای برآوردن حاجتشان این کار را می‌کردند. من هم وقتی می‌بینم که مردم چطور به صورت فردی و جمعی درخت رو احترام می‌کنن و برای شفای مریض‌شان به آن پارچه می‌بندند و یا شمعی روشن می‌کنند احساس می‌کنم که من هم به‌عنوان عضوی از جامعه باید در این آیین جمعی شرکت کنم».

علاوه بر این، جریان کنش متقابل خصلت اجتماعی دارد و ارزش‌ها در آن مؤثرند. نمی‌توان کنش اجتماعی را بدون در نظر گرفتن نظام اجتماعی که ترکیبی از نظام فرهنگی و شخصیتی است، مطالعه کرد. نظام شخصیتی از قواعد، هنجارها و الگوهای تبعیت می‌کند که از طریق نظام فرهنگی عرضه می‌شود. نظام الگودار فرهنگی که مراسم دینی عنصر مهمی از آن است، به لحاظ برخورداری از ارزش‌ها و هنجارهای عام دینی

ضمن برقراری تعامل و تجمع افراد و گروه‌ها، سبب نوعی جامعه‌پذیری در بُعد پیوند بین نسل‌ها شده و موجبات استمرار و انتقال فرهنگی را از نسلی به نسل دیگر را فراهم می‌سازد. و در برخی موارد موجب کاهش درگیری‌های گروهی نیز می‌شود. این مهم را در دزفول می‌توان به راحتی مشاهده کرد. به خصوص در بین دو محله سیاهپوشان و صحرابدر، که در ماه محرم این پیوند و نزدیکی به بالاترین حد خود می‌رسد. برای نمونه سعید می‌گوید: «در مراسم‌های مذهبی مثل ماه محرم و سفره‌های نذری همه تیب آدم می‌بینم، پیر و جوان و نوجوان حتی بچه‌های خردسال که همراه والدین خود شرکت می‌کنند. بارها دیدم که برخی از کوچک‌ترها در مورد مسائلی از بزرگ‌ترها سؤال می‌کنند. این خیلی خوبه برا ما که حداقل با خواسته‌های جوان‌ترها آشنا بشیم، اون هم تو همچین مراسم‌هایی». و یا یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «دزفول از قدیم درگیر تضادهایی بین محله‌های خود بوده به خصوص محله سیاهپوشان با محله صحرابدر. بزرگان شهر برای این‌که این کدورت‌ها و درگیری‌ها را از بین ببرند از هیت‌های مذهبی خواستند که صبح عاشورا محله صحرابدر مسیر عزاداری خود را به سمت محله سیاهپوشان تغییر دهد و عصر عاشورا محله سیاهپوشان به سمت محله صحرابدر بروند».

مقوله هسته

مقوله هسته این پژوهش با عنوان «آیین‌های فرهنگی مشترک تسهیل‌کننده توسعه اجتماعی»، ناظر بر پیامدی است که شرکت در آیین‌های مشترک برای مشارکت‌کنندگان دارد. این مقوله در پی آن است تا الگویی را از مدت زمان حضور مشارکت‌کنندگان در آیین‌های مشترک ارائه دهد. برای تشریح هر چه بیشتر این مقوله، نیاز است تا رابطه و تجربه فرد با آیین‌های مشترک در شرایط قبل از شرکت در آیین و بعد از آن بررسی شود. در دزفول مشارکت‌کننده قبل از برگزاری آیین، با آگاهی از زمان برگزاری آن، خود را برای برگزاری آیین آماده می‌کند. الیاده معتقد است: «آیین‌ها به سبب اهمیتی که آحاد جامعه برای آنها قایل‌اند، زمان برگزاری‌شان هم از دیگر اوقات ممتاز می‌شود» (الیاده، ۱۹۶۳: ۱۴۰). این مرحله را مرحله آمادگی گویند. در مرحله بعد مشارکت‌کنندگان به برگزاری آیین‌های مشترک می‌پردازند. آنها در مدت زمانی که با همدیگر هستند علاوه بر اجرای آیین، به یک نوع حس یکی شدن و جامعه واحد نیز می‌رسند. این شرایط باعث ابراز وجود و تأثیرگذاری در جمع می‌شود که خود این کنش موجب

اتحاد و همدلی می‌شود. آنها این تجربه را تا مرحله پایانی آیین‌های مشترک نیز با خود به همراه دارند. گروه‌های مختلف در دزفول با توجه به این‌که از لباس و گویش متفاوت برخوردارند، اما به وقت اتمام مراسم در اعمال و رفتارهایشان شباهت‌های بسیاری با همدیگر دارند و به گونه‌ای واحد به این پدیده می‌نگرند. هر چند که در زندگی تجربه‌های متفاوت دارند، اما به نظر پیش‌زمینه‌های ذهنی یکسانی در تفسیر و درک معنای نقش آیین‌های مشترک دارند. بنابراین، فضای قبل و بعد از آیین بر مشارکت‌کننده تأثیر می‌گذارد و پس از اتمام مراسم در کنار هم به حس نوع دوستی می‌رسند که در نهایت به نظم و توسعه اجتماعی در جامعه ختم می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه پدیدارشناسی تأثیر آیین‌های فرهنگی مشترک بر توسعه اجتماعی شهر دزفول انجام شد. منظور از توسعه اجتماعی، سیستمی اجتماعی در راستای دستیابی به مشارکت افراد در متن توسعه، ایجاد انسجام اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی انسان‌ها بود. طبق مقوله اصلی ارائه شده در بخش پیشین، مقوله هسته «آیین‌های فرهنگی مشترک تسهیل‌کننده توسعه اجتماعی» نامیده شد. این مقوله تمام مقوله‌های محوری را در بر می‌گیرد و برای آنها بار تحلیلی دارد. مقوله هسته ناظر بر مسیری بود که یک جامعه همانند دزفول برای دستیابی سریع‌تر به توسعه اجتماعی باید طی کند.

همان‌گونه که پیشتر در توضیح مقولات بحث شد، دزفول از گروه‌هایی تشکیل شده است که توجه و تقویت آنها می‌تواند آثار مثبتی برای توسعه اجتماعی داشته باشد. مشارکت‌کنندگان با شرکت در آیین‌ها، شرایط خاصی را تجربه می‌کنند که عمده‌ترین آنها «هویت‌یابی» است. گیرتز می‌نویسد: «مراسم مذهبی موقعیت‌های برجسته‌ای هستند که از طریق آنها، سمبل‌های مذهبی برای حفظ ایمان کوشش می‌کنند. برای اکثریت مذهبی‌ها در هر جمعیتی، شرکت در مراسم موجب می‌شود علاوه بر مواجه شدن با یک جهان‌بینی، آن را به‌عنوان وجهی از شخصیت خود نهادینه سازند» (مک لولین، ۱۳۸۳: ۱۱).

از جمله پیامدهای دیگری که شرکت در آیین‌های مشترک برای مشارکت‌کنندگان دارد، علاوه بر هویت‌یابی «امنیت فردی و اجتماعی» است. امنیت شرط لازم و اساسی و شاخص اصلی توسعه همه‌جانبه و پایدار هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. افراد هر

قوم با قرار گرفتن در کنار یکدیگر احساس آرامش خاطر بیشتری را تجربه می‌کنند و موجب می‌شوند تا خود پاسدار هویت اجتماعی‌شان باشند. بر این اساس جامعه از طریق گسترش فضای اجتماعی و از بین رفتن موانع و محدودیت‌های اجتماعی برای گروه‌های اجتماعی، به دنبال حفظ الگوهای هویتی خواهد بود. مکتب‌کنش متقابل، امنیت را حاصل‌کنش متقابل اعضای جامعه می‌داند؛ زیرا توسعه اجتماعی امری گروهی است و لزوماً باید با مشارکت اقشار مختلف همراه باشد و چنانچه گروه‌ها و گرایش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در آن مشارکت نکنند، توسعه اجتماعی ناقص و نامتوازن خواهد بود.

نظم و توسعه اجتماعی امری گروهی است و لزوماً باید با «تعامل اجتماعی» اقشار مختلف همراه باشد. چنانچه اقشار مختلف جامعه با گرایش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در آن مشارکت نکنند، نظم و توسعه اجتماعی ناقص و نامتوازن خواهد بود. حضور فعال و نقش‌پذیر گروه‌های مختلف در مراحل مختلف توسعه اجتماعی و تعمیق آن وقتی میسر است که شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه بدون هیچ تبعیض و گزینشی، سیاست‌های متوازی را نسبت به گروه‌های مختلف اعمال نماید. آیین‌ها با گردهم آوردن افراد مختلف، موجب همزیستی مسالمت‌آمیز و صلحی می‌شوند که در شأن انسان رشد یافته و حقیقی است و از مؤلفه‌های مهم نظم و توسعه اجتماعی به‌شمار می‌آید. از این رو آدمیان رشد یافته، ناگزیر به همکاری با دیگران و تعامل در عرصه‌های اجتماعی و پذیرش مسئولیت اجتماعی هستند. ارتباط دوسویه بین تعامل اجتماعی و نظم اجتماعی موجب تقویت انسجام اجتماعی در بین اقوام می‌شود. با توجه به این‌که روند جهانی شدن و گذر جوامع از سنت به مدرنیته موجب ضعف روحیه همدلی و احساس مسئولیت مشترک در جوامع شهرنشین شده است، برگزاری و شرکت در آیین‌های فرهنگی موجب می‌شود تا مشارکت‌کنندگان در کنار هم این روحیه را تقویت کنند. بنابراین زمینه برای همکاری و تعامل به وجود خواهد آمد و باعث خواهد شد تا توسعه اجتماعی در سایه نظم اجتماعی، حاصل گردد.

پی‌نوشت

۱- اتاقک‌های چوبی تزئین شده که نمادی از حجله حضرت قاسم و دوران دامادی اوست. و معمولاً محل تجمع و توزیع نذورات مردم است.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۸): *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سروش.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰): «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۷، ش ۱۷، صص ۳-۳۱.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۳): *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پالس، دانیل (۱۳۸۲): *هفت نظریه در باب دین*، محمد عزیز بختیاری، قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی.
- جعفری، حسن (۱۳۸۷): «دین و اسطوره: بررسی فلسفی نظریه الیاده پیرامون اسطوره»، *نیمسال‌نامه تخصصی پژوهشنامه ادیان*، س ۲، ش ۴، صص ۴۷-۷۴.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳): «جایگاه هم‌افزایی در توسعه اجتماعی کشور»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، س ۶، ش ۲، صص ۲۵-۴۴.
- رودنیولر، اریک (۱۳۸۷): *ارتباطات آیینی از گفت‌وگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده*، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- شریعتی، علی (۱۳۸۳): *جهان‌بینی و ایدئولوژی*، تهران: مونا.
- عباس‌زاده، محمد؛ علیزاده، محمدباقر؛ اسلامی، سیدرضا (۱۳۹۱): «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی»، *مجله مطالعات تحقیقات اجتماعی*، دوره اول، ش ۱، صص ۱۴۵-۱۷۲.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰): *مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مک‌لولین، شون (۱۳۸۳): *دین مراسم مذهبی و فرهنگ*، ترجمه افسانه نجاریان، اهواز: رشن.
- موحد، مجید؛ همت، صغری (۱۳۹۲): «مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان»، *فصلنامه زن و جامعه*، س ۴، ش ۲، صص ۵۵-۸۲.
- میرعابدینی، احمد (۱۳۸۸): «انقلاب آیینی و رسانه‌های جمعی بعد از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه علمی ترویجی رسانه*، س ۲۰، ش ۷۷، صص ۲۷-۵۶.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷): *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تیان.
- هوور، استوارت؛ نات لاند بای (۱۳۸۵): *بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ*، ترجمه مسعود آریایی، تهران: انتشارات صداوسیما.
- یوسفی، علی؛ اصغریپور، احمدرضا (۱۳۸۸): *قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران*، *دانشنامه علوم اجتماعی*، دوره اول، ش ۱، صص ۱۲۵-۱۴۴.
- Eliade, M. (1963); *Myth and Reality*, tr.W. R. Trask, New York: Harper Torch books.
- Geertz, C. (1973); *the Interpretation of Cultures*, New York, Basic Books.
- Riviere, C. (1995); *Introduction of anthropology*, published by Paris Hachette.
- Sandelowski, M. (1986); *The problem of rigor in qualitative research*, *Advances in Nursing Science*.8 (3).